

چرا نهادی همچون بانک رفاه کارگران زیر فشار واگذاری قرار دارد؟

عملکرد مالی یک بانک خوشنام

نهاد «بانک» در ایران شاید بیش از دیگر حوزه‌ها زیر سایه قضاوت‌ها است. گاهی با فراموشی تاریخچه مستولی‌شده و بی‌اعتنایی به خدمات و نقش مهم این بنگاه‌های اقتصادی، تنها تجربه‌ها و خبرهای تلخ هستند که بر دیدگاه‌ها و افکار مستولی می‌شوند. از این جهت است که قضاوت‌ها و البته برخی کوتاهی‌ها و اشتباهات بعضاً نام بانک‌ها را با تخلف و ابهام و فقدان شفافیت گره زده است. در این میان، اما هستند بانک‌هایی که دامن از این اخبار دور نگه داشته و هنوز خدمت‌رسانی به اقشار عمومی یا اصناف تحت پوشش را در دستور کار دارند. ادعای بیراهی نیست اگر بانک رفاه کارگران را در این لیست قرار دهیم. اما سؤال اصلی این است که چرا نهادی همچون بانک رفاه کارگران که عاری از از اپیدمی تخلفات بانک‌ها است، زیر فشار واگذاری قرار دارد؟ برای پاسخ به این سؤال و بیش از آن تأکید بر اهمیت دوری از تصمیم واگذاری سهام بانک رفاه کارگران، مرور کوتاهی بر تاریخچه تشکیل این بانک خالی از لطف نیست.

یک عمر سایه‌ساری بر سر جامعه کارگری

بانک رفاه کارگران اولین مؤسسه‌ای است که در زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی و به حکم قانون تشکیل شد. سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران (ماده ۳۸) و نیز تبصره ماده (۳۹) قانون بودجه سال ۱۳۳۸ کشور بر این تشکیل، مهر تأیید زد و سرمایه اولیه آن و نیز افزایش سرمایه‌های آتی آن به طور کامل توسط سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده است. به عبارت دیگر، در حالی که به حکم قانون شرکت خانه‌سازی ایران در سال ۱۳۴۷ برای تأمین نیازهای عمرانی درمانی و بیمه‌ای سازمان تأمین اجتماعی و نیز ساخت مسکن ارزاقیمت برای ذی‌نفعان سازمان مزبور تأسیس و شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی نیز در دهه ۶۰ ایجاد شد، بانک رفاه کارگران اولین زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی بود که با هدف «سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از وجوه بیمه کارگران با هدف کمک به تأمین رفاه و ایجاد تسهیلات لازم برای رفع نیازمندی‌های طبقه کارگر» در سال ۱۳۳۹ تأسیس شد. به دنبال پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و پس از صدور مصوبه شورای انقلاب در خصوص ملی شدن بانک‌ها (که منظور نظر آن بانک‌های خصوصی ایرانی و خارجی مستقر در ایران بود که به برخی خواص تعلق داشت) سهواً و تسامحا بانک رفاه کارگران که متعلق به میلیون‌ها بیمه‌شده و مستمری‌بگیر سازمان تأمین اجتماعی بود نیز ملی شد و تحت قیومیت دولت قرار گرفت. کمتر از یک دهه بعد، حکم به تشکیل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی در دهه ۶۰ ناشی از همین انفکاک بود؛ تصمیمی که در بستر «عدم سرمایه‌گذاری مناسب بر روی ذخایر و اندوخته‌های سازمان تأمین اجتماعی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰» گرفته شد و منجر به خارج شدن بانک رفاه کارگران از زیرمجموعه سازمان تأمین اجتماعی گردید.

بازگشت بانک رفاه به خانه تأمین اجتماعی

در اواخر دهه ۷۰ با تلاش‌های انجام‌شده و بر اساس صورتجلسه مشترکی که بین رییس کل فقید بانک مرکزی و وزرای وقت امور اقتصادی و دارایی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مبادله شد، مدیریت بانک مزبور به سازمان تأمین اجتماعی برگشت و پس از افزایش سرمایه بانک که دولت در آن شرکت نکرد

و تمامی آن توسط سازمان تأمین اجتماعی تقبل و تأمین شد، عملاً سازمان تأمین اجتماعی ۹۴/۶ درصد سهام بانک را در اختیار گرفت و دولت سهم ناچیزی در مالکیت بانک پیدا کرد. در آن مقطع قرار شد همان مقدار سهم ناچیز دولت هم با مطالبات سازمان تأمین اجتماعی از دولت بابت سهام اولیه سازمان مزبور در برخی بانک‌های دولتی نظیر صادرات، صنعت و معدن و... تهاتر شود و در واقع صدرصد سهام بانک متعلق به سازمان تأمین اجتماعی شود. از آن زمان تاکنون به رغم فراز و فرودهای بسیار، بانک رفاه کارگران، به واقع در خدمت رفاه کارگران بوده است. اما مشخص نیست در حالی که بسیاری از مجموعه‌های دولتی و شبه‌دولتی دارای بانک هستند، چرا عده‌ای به دنبال سلب این حق و ابزار اجرایی و عملیاتی سازمان تأمین اجتماعی یعنی بانک رفاه کارگران بوده و با تلاش برای واگذاری سهام این بانک در بورس، می‌خواهند دست بیمه‌شدگان و مستمری‌گیران را از خدمات این بانک کوتاه کنند؛ آن هم در حالی که همان‌طور که در ابتدای مطلب نیز تأکید شد کارنامه بانک زیر ذره‌بین عملکرد و بازرسی مالی نیز سر بلند است.

شفافیت، سروحه کارنامه بانک رفاه

بر اساس گزارشی که روابط عمومی بانک رفاه کارگران در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۹ منتشر کرده، این بانک تلاش می‌کند با کمک به سرمایه‌در گردش کارگاه‌های تولیدی، کارگران بیشتری را دچار بحران نشوند؛ چراکه مدیران این بانک معتقدند تا زمانی که بتوانند یک مرکز اقتصادی را در چرخه تولید نگهدارند، عملاً جریان امید را در دل نیروی کار زنده نگه داشته‌اند. در این گزارش تأکید شده که «این بانک در حوزه امنیت شغلی کارگران قدم‌های خوبی برداشته مانند کمک به بنگاه‌های دولتی آسیب‌دیده، کمک به کارآفرینی، اشتغالزایی و حمایت از مشاغل خانگی با اولویت زنان سرپرست خانوار و بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت‌های استان‌های محروم در راستای ایجاد اشتغال پایدار که تنها بخشی از این خدمات است.» در زمان انتشار این گزارش یعنی بهمن سال ۱۳۹۹، آمار تسهیلات پرداختی این بانک نشان می‌دهد، از سال ۹۷ تا پایان تیرماه امسال بالغ بر ۲۲ هزار و ۹۴۲ میلیارد ریال تسهیلات از محل منابع بانک به تأمین مالی و سرمایه‌در گردش بنگاه‌های کوچک و متوسط اختصاص یافته‌واز



از سال ۹۷ تا
پایان تیرماه
امسال بالغ
بر ۲۲ هزار و
۹۴۲ میلیارد
ریال تسهیلات
از محل منابع
بانک به تأمین
مالی و سرمایه
در گردش
بنگاه‌های
کوچک و
متوسط
اختصاص
یافته است

اقدامات مناسبی داشته است.

تخصیص تسهیلات قرض‌الحسنه و مرابحه به منظور تأمین نیازهای ضروری و مورد نیاز کارگران نمونه کل کشور، اعضای اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری و کاروان ورزش کارگری، تخصیص تسهیلات سرمایه در گردش به واحدهای تولیدی شناسایی شده مشکل‌دار در پرداخت حقوق معوق کارگران بیمه‌ای معرفی شده از سوی اداره‌های کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اساس توزیع استانی تعیین شده توسط وزارت متبوع، تخصیص تسهیلات مرابحه به کارگران بیمه‌شده معرفی شده از سوی اداره‌های کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی در قالب طرح حمایت برای تأمین اموال و خدمات مورد نیاز، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه مشاغل خانگی، اشتغالزایی و کارفرمایان طرح‌های مددجویی معرفی شده از سوی کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان بهزیستی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اعطای تسهیلات ارزان قیمت در راستای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های استان‌های محروم به منظور ایجاد و تثبیت اشتغال پایدار در قالب

طرح برکت بخش دیگری از این اقدامات بوده است. جمع‌بندی بخش روابط عمومی بانک در آن مقطع زمانی بر این مبنی است که اکنون به نظر می‌رسد بانک رفاه کارگران در برنامه‌های خود به هر دو بعد نیازهای کارگران توجه ویژه‌ای داشته؛ از یک‌سو با پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی و تلاش برای سرپا نگهداشتن این واحدها امنیت شغلی کارگران را تضمین می‌کند و از سوی دیگر با ارائه تسهیلات به کارگران، تلاش می‌کند وضعیت و شرایط رفاهی آنان را بهبود ببخشد؛ اقدامات مثبتی که بیش از پیش کارنامه بانک رفاه کارگران را پرپراثر می‌کند. با توجه به اینکه بانک رفاه تابع قانون بانکداری کشور است و زیر نظر بانک مرکزی است و هیچ تخلفی در فعالیت بانک رفاه کارگران وجود ندارد و تمامی اقدامات آن مطابق قوانین بانکداری جمهوری اسلامی ایران انجام می‌گیرد، کدام استدلال باعث می‌شود تصمیم برای جداسازی بانک رفاه کارگران از بدنه تأمین اجتماعی هر لحظه بیش از پیش به اجرا نزدیک شود؟!

از کارگران، برای کارگران

علی اصلائی

کارشناس اقتصادی

شهریورماه سال جاری مصادف شد با اعلام اتخاذ یک تصمیم که بارها پیش از این مطرح شده، اما خوشبختانه به مرحله اجرا نمی‌رسید. متأسفانه اما در هفته‌های اخیر مجدداً اعلام شد که تصمیمی بر این مبنای اتخاذ شده تا سهام بانک رفاه کارگران از طریق وزارت صمت در بورس واگذار شود. در همان روز، کانون عالی بان‌نشستگان و ریاست آن نامه‌ای در مخالفت با این تصمیم تهیه کرد و در آن به مفاد قانونی و مشکلاتی که در صورت اجرایی شدن این تصمیم رخ می‌دهد، اشاره شد. در وهله نخست تأکید شد طبق قانون، سهام بانک رفاه متعلق به کارگران و بان‌نشستگان است و هر تصمیمی در این رابطه اتخاذ شود باید با نظرخواهی و رضایت آنها باشد.

در مرحله دوم یادآوری شد که این بانک مشمول سیاست‌های اصل (۴۴) قانون اساسی نمی‌شود و نباید تا این اندازه بر واگذاری سهام آن تأکید کرد؛ چراکه از اساس، سازمان تأمین اجتماعی یک نهاد عمومی غیردولتی است و ۹۸ درصد سهام آن متعلق به کارگران و کارفرمایان است و هر راهکار و مسیری -از جمله واگذاری سهام آن از طریق، وزارت صمت- صدرصد مخالف قانون است.

علاوه بر این، درباره خطر بزرگ و هشداردهنده این تصمیم نیز باید توجه و دقت داشت که در حال حاضر درآمد و هزینه تأمین اجتماعی به هیچ عنوان با هم برابر نیست و در بسیاری از ماه‌ها، هزینه‌های



تأمین اجتماعی در شرایطی که حق بیمه‌های پرداختی کفاف هزینه‌ها را نمی‌دهد، از طریق بانک رفاه کارگران تأمین می‌شود و باید این موضوع را در نظر گرفت که با اتخاذ تصمیماتی از قبیل واگذاری سهام بانک رفاه به بورس در عمل چنین امکانی از سازمان تأمین اجتماعی سلب و امکان ارائه خدمات لازم و قانونی به بان‌نشستگان و بیمه‌شدگان این سازمان از بین می‌رود. نتیجه‌گیری کلی هم این بود که به رغم تعبیر و تفسیرهای مختلف، قانون تنها یک برداشت مشخص در این حوزه دارد و آن این است که نهاد دولت و بخش دولتی نمی‌تواند درباره واگذاری سهام بانکی که ۹۸ درصد سهام آن از کارگران و برای کارگران است، تصمیم‌گیری و اعمال نفوذ کند. در حالت دوم، تأکید بر اهمیت واگذاری سهام این بانک در یک صورت می‌تواند هم به نفع جامعه کارگری باشد و هم اقدام خلاف قانونی صورت نگیرد. اگر به هر دلیل اصرار بر واگذاری سهام این بانک ذیل عنوان «شفافیت» وجود دارد، باید سازوکاری اندیشید و سهام بانک رفاه را به خود کارگران واگذار کرد. یعنی اگر قرار است این بانک در خدمت کارگران باشد، بنابراین باید سهام آن را به خود کارگران واگذار کنند. راهکار این مسأله نیز تأسیس یک تعاونی مختص این امر است؛ تعاونی‌ای مختص کارگران تا سهامداران بانکی باشند که خود صاحبان اصلی آن هستند. با این اقدام هم کار خلاف قانونی رخ نداده و هم سود و زیان این تصمیم و اقدام برای ورود به بورس با خود کارگران و بانک رفاه خواهد بود. همچنین حقوق مسلم کارگران نیز از آنان دریغ نشده است.

بانک رفاه
مشمول
سیاست‌های
اصل (۴۴)
قانون اساسی
نمی‌شود و
نباید تا این
اندازه بر
واگذاری سهام
آن تأکید کرد

حقوق قانونی مالکان حقیقی بانک رفاه

حمید نجف

کارشناس حوزه کار

اگرچه پیشنهاد واگذاری سهام بانک رفاه کارگران در سال‌های اخیر بارها توسط ادوار مختلف دولت و مجلس مطرح و سپس با ابراز مخالفت‌هایی در این زمینه موضوع به تعویق افتاده، اما به نظر می‌رسد هنوز این موضوع تعیین تکلیف نهایی نشده و هزار چندگامی در این باره بحث‌هایی مطرح می‌شود. آنچه مشخص است این است که بر اساس قانون، اصول اداری و اخلاقی، بانک رفاه زیرمجموعه تأمین اجتماعی و در تقسیم‌بندی‌ها یک بانک عمومی است. به این معنا که در صورت تصمیم درباره واگذاری سهام، این واگذاری تنها باید به ذی‌نفعان و مالکان آن صورت پذیرد و منابع حاصل از فروش نیز باید مجدداً به تأمین اجتماعی بازگردد. در این میان، چند نکته در ارتباط با ایده کلی واگذاری سهام بانک رفاه باید مورد توجه قانونگذار و مجری قرار گیرد:

- بانک رفاه کارگران از زمان تأسیس تا به امروز متعلق به کارگران و کارفرمایان بوده و منابع مالی بانک هم از طریق وجوه پرداخت‌شده این گروه‌ها به تأمین اجتماعی تأمین شده است؛ بنابراین نمی‌توان بدون اجازه ذی‌نفعان این بانک، سهام آن واگذار کرد؛ چراکه شاکله، ساختار و اعتبارات این بانک وجه متمایزی از آن نسبت به شهرداری‌ها و یک بخش دولتی یا خصوصی می‌دهد.
- سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی به هیچ وجه شامل بانک رفاه کارگران نیست و هیچ نهادی حق واگذاری سهام آن را ندارد. در حال حاضر سازمان